

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال یازدهم، شماره ۲۴/۲۵۷ اسفند ۱۴۰۴/۱۵ مارس ۲۰۲۶

حفاظت از جان زندانیان در زمان جنگ



در این شماره می‌خوانید:

حفظ میراث فرهنگی در زمان جنگ

آتنا دائمی: هنگام بروز بحران شرایط زندان مختل می‌شود

زندانی در زمان جنگ؛ میان ترس، بی‌خبری و بی‌پناهی

حوادث طبیعی و شرایط جنگی؛ مسئولیت حاکمیت در قبال جان

زندانیان و تامین حقوق آنان

نهادهای ناتوان و دولت‌های ناقض حقوق بشر

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: مینا موحد، پویان مکاری، میلادپور عیسی، سیروان منصوری

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



نقی محمودی

حفظ میراث فرهنگی در زمان جنگ



آبی» مشخص می‌شوند تا نیروهای نظامی آن‌ها را به‌عنوان مکان حفاظت‌شده بشناسند.

همچنین، برخی آثار در فهرست یونسکو (UNESCO) ثبت می‌شوند تا حمایت بین‌المللی بیشتری دریافت کنند.

۳. تعهد دولت‌ها در زمان صلح کشورها باید پیش از وقوع جنگ: فهرست آثار مهم را تهیه کنند. نقشه و مستندات دیجیتال ایجاد کنند. مکان امن برای انتقال اشیای موزه‌ای آماده کنند. نیروهای نظامی را درباره قوانین حفاظت فرهنگی آموزش دهند.

۴. تخلیه و انتقال آثار در صورت وجود شرایط خطر، آثار قابل انتقال ممکن است:

به مخازن امن منتقل شوند؛ در پناهگاه‌های ضدحریق و ضدانفجار نگهداری شوند؛

یا تحت نظارت بین‌المللی جابه‌جا شوند.

۵. مسئولیت کیفری بین‌المللی تخریب عمدی میراث فرهنگی می‌تواند «جنایت جنگی» محسوب شود.

۶. نقش سازمان‌های بین‌المللی نهادهایی مانند:

UNESCO (Blue Shield International) سپر آبی بین‌المللی

۲. علامت‌گذاری و ثبت آثار فرهنگی بسیاری از بناها و مراکز فرهنگی با «نشان سپر شورای بین‌المللی موزه‌ها

حفاظت از میراث فرهنگی در شرایط جنگی بر پایه مجموعه‌ای از قواعد حقوق بین‌الملل، کنوانسیون‌ها و اقدامات عملی انجام می‌شود. هدف این قواعد، جلوگیری از تخریب آثار تاریخی، موزه‌ها، بناهای مذهبی، آرشپوها و اشیای فرهنگی در زمان درگیری مسلحانه است.

مهم‌ترین اصول و شرایط عبارت‌اند از:

۱. ممنوعیت حمله به اماکن فرهنگی طبق کنوانسیون حفاظت از اموال فرهنگی در صورت وقوع محاصره مسلحانه (Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict) و پروتکل‌های آن، طرف‌های درگیر جنگ نباید: بناهای تاریخی و فرهنگی را هدف نظامی قرار دهند. از آثار فرهنگی برای مقاصد نظامی استفاده کنند. دست به غارت، تخریب یا قاچاق اشیای فرهنگی بزنند.

این کنوانسیون پس از خسارت‌های گسترده در دوران جنگ جهانی دوم تصویب شد.

۲. علامت‌گذاری و ثبت آثار فرهنگی بسیاری از بناها و مراکز فرهنگی با «نشان سپر



در مستندسازی خسارت‌ها، آموزش، امداد فرهنگی و جلوگیری از قاچاق آثار فعالیت می‌کنند.

۷. چالش‌های امروز

در جنگ‌های جدید، حفاظت از میراث فرهنگی دشوارتر شده است، به‌ویژه به دلیل:

بمباران شهری؛

گروه‌های افراطی؛

قاچاق سازمان‌یافته آثار؛

حملات سایبری به آرشیوهای دیجیتال؛

و استفاده تبلیغاتی از تخریب آثار تاریخی.

نمونه‌های شناخته‌شده شامل آسیب به آثار باستانی و میراث فرهنگی در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف: حلب، پالمیرا، اوکراین و عراق است.

ضرورت حفظ و حمایت از میراث فرهنگی در قوانین داخلی ایران:

یک- قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی، قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۱/۰۲/۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی، مبنای قانونی تشکیل و فعالیت سازمان میراث فرهنگی، که بعدها با گردشگری ادغام شد، است. این قانون شامل تعاریف میراث فرهنگی، اهداف، وظایف پژوهشی، نظارتی، حفاظتی و معرفی آثار تاریخی و فرهنگی کشور است.

نکات کلیدی قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی:

تعریف میراث فرهنگی (ماده ۱): آثار باقی‌مانده از گذشتگان که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ است و شناخت هویت و خط حرکت فرهنگی او را میسر می‌سازد.

هدف (ماده ۲): بقا و ارتقای هویت و شخصیت فرهنگی جامعه.

وظایف سازمان (ماده ۳): پژوهش، نظارت، حفظ و احیا و معرفی آثار میراث فرهنگی.

ادغام‌ها: سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۴ تشکیل شد و بعدها با سازمان ایران‌گردی و جهان‌گردی ادغام گردید.

دو- قانون حفظ آثار ملی، مصوب سال ۱۳۰۹:

این قانون از اولین قانون مهم در خصوص ضرورت حفاظت از بناها و اشیای فرهنگی و تاریخی است. مطابق این قانون، آثار تاریخی و فرهنگی ارزشمند «آثار ملی» شناخته می‌شوند. تخریب، خریدوفروش



غیرقانونی و خارج کردن این آثار از کشور ممنوع است. دولت حق ثبت و حفاظت از بناهای تاریخی را دارد.

کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص حفاظت از آثار و میراث فرهنگی و تاریخی

یک- کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه:

این کنوانسیون اولین معاهده بین‌المللی است که اختصاصاً به حفاظت از اموال فرهنگی، بناها، موزه‌ها و آرشیوها، در زمان درگیری‌های مسلحانه و جنگ می‌پردازد. این کنوانسیون که در ۱۴ مه ۱۹۵۴ در هلند تصویب شد، طرفین درگیر جنگ را ملزم به محافظت و احترام به میراث فرهنگی کرده و از نماد «سپر آبی» برای شناسایی این مکان‌ها استفاده می‌کند.

نکات کلیدی کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه:

هدف: حفاظت از میراث فرهنگی بشریت در برابر آسیب‌های ناشی از جنگ.

پروتکل‌ها: علاوه بر کنوانسیون اصلی، دو پروتکل، ۱۹۵۴ و ۱۹۹۹، نیز وجود دارد که پروتکل دوم، اجرای دقیق‌تر و جنایت جنگی دانستن تخریب‌ها را بر عهده دارد.

تعهدات: کشورهای عضو متعهد می‌شوند که از هدف قرار دادن اموال فرهنگی خودداری کنند.

ایران: ایران به پروتکل دوم این کنوانسیون، ۱۹۹۹، ملحق شده است.

این کنوانسیون پس از ویرانی‌های عظیم جنگ جهانی دوم شکل گرفت تا از تکرار فجایع فرهنگی جلوگیری کند.

دو- کنوانسیون ۱۹۷۲ میراث جهانی یونسکو، معاهده‌ای بین‌المللی است که در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ برای شناسایی، حفاظت و نگهداری از آثار فرهنگی و طبیعی با ارزش استثنایی جهانی تصویب شد. این کنوانسیون که هدف آن حفظ میراث مشترک بشریت است، کشورهای عضو را به ثبت آثار و همکاری در حراست از آن‌ها ملزم می‌کند.

نکات کلیدی کنوانسیون ۱۹۷۲:

هدف: حفاظت از مکان‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی ارزشمند در برابر تهدیدات و تخریب.

ثبت آثار: آثار ثبت‌شده شامل جنگل‌ها، کوه‌ها، ساختمان‌ها و شهرها هستند.

اصول حاکم بر این کنوانسیون: حفظ حاکمیت ملی کشورها بر آثار، ضمن پذیرش مسئولیت جمعی



بین‌المللی برای حفاظت از آن‌ها. فهرست میراث جهانی: آثار ثبت‌شده در این فهرست، کمک‌های فنی و حفاظتی بین‌المللی دریافت می‌کنند. تعهدات: کشورهای عضو متعهد به حفاظت و معرفی میراث خود و کمک به حفاظت جهانی هستند. تأسیس کمیته میراث جهانی: مدیریت و تصمیم‌گیری برای ثبت آثار بر عهده این کمیته است. عضویت ایران: ایران در ۲۶ فوریه ۱۹۷۵، اسفند ۱۳۵۳، به این کنوانسیون پیوسته است. مجازات کیفری تخریب‌کنندگان میراث فرهنگی و آثار و بناهای تاریخی:

محو، تخریب یا آسیب‌رساندن به میراث فرهنگی و آثار تاریخی در زمان جنگ، علاوه بر قوانین داخلی، مشمول مجازات‌های سنگین در حقوق بین‌الملل می‌شود. این اقدامات عمدی، «جنایت جنگی» محسوب می‌شوند. بر اساس گزارش‌ها و قوانین، مجازات عاملان تخریب میراث فرهنگی در جنگ به شرح زیر است:

۱. حقوق بین‌الملل، جنایت جنگی

کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه: طبق این کنوانسیون و پروتکل‌های آن، حمله، تخریب، غارت یا سرقت اموال فرهنگی در جریان مخاصمات مسلحانه ممنوع است. مسئولیت کیفری: افرادی که به‌طور مستقیم اقدام به تخریب کنند یا دستور آن را بدهند، مسئول

شناخته‌شده و جنایتکار جنگی محسوب می‌شوند. دیوان کیفری بین‌المللی (ICC): محو آثار تاریخی می‌تواند به‌عنوان جنایت جنگی و، در مواردی، جنایت علیه بشریت در این دادگاه پیگیری شود.

۲. قوانین داخلی ایران:

در صورت دسترسی به عاملان تخریب، قوانین ایران نیز بسیار شدید هستند:

حبس و جزای نقدی

طبق مواد ۵۵۸ تا ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات، تخریب آثار تاریخی و فرهنگی می‌تواند منجر به حبس از ۱ تا ۱۰ سال شود.

طبق ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات: حبس محکوم می‌شوند. هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی - تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، یا تزئینات، ملحقات، تأسیسات، اشیا و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور،

نکات مهم:

عدم وجود ضرورت نظامی: تخریب آثار تاریخی تنها زمانی کمتر مجرمانه تلقی می‌شود که ضرورت نظامی اجتناب‌ناپذیری وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت، این اقدام جنایت جنگی است.

حفاظت غیرمجاز در زمان جنگ: استفاده از فضای جنگی برای حفاری و تاراج آثار ممنوع بوده و مرتکبان، علاوه بر ضبط ابزار، به مجازات‌های

آتنا دائمی: هنگام بروز بحران شرایط زندان مختل می شود



پویان مکاری

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران در تابستان ۱۴۰۴، اعتراضات دی ماه و جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران که اکنون با آتش بسی شکننده در حالت معوق باقی مانده است، سوالات زیادی را در ارتباط با امنیت زندانیان در دوران بحران پدید آورده است؛ حکومت ایران با زندانیان در مواقع بحران چگونه برخورد می کند؟ زندانیان عادی و سیاسی چگونه در مواقع بحران چه وضعیتی دارند؟ زندانیان خود چگونه می توانند برای حفظ جان و امنیت خود در این مواقع اقدام کنند؟

برای پاسخ به این سوالات حقوق ما با آتنا دائمی، زندانی سیاسی پیشین و فعال سیاسی، به گفت و گو نشسته است. خانم دائمی که سال ها در زمینه رعایت حقوق زندانیان تجربه و فعالیت زیادی داشته، از تجربه شخصی خود در زندان های جمهوری اسلامی می گوید.

حقوق ما: آیا در دورانی که در زندان های جمهوری اسلامی بودید، با وضعیت بحران عمومی مانند اپیدمی، جنگ یا اعتراضات روبرو شده اید؟

آتنا دائمی: بله، هم در دوره اپیدمی کرونا در زندان بودم و هم در دوران اعتراضات دی ماه ۹۶، مرداد ۹۷ و آبان ۹۸. باید بگویم شرایط زندان در هر یک از

این وقایع متفاوت بود. در دوره کرونا وحشت از زندگی جمعی، در حالی که در بیرون از زندان و خارج از ایران قرنطینه کامل حاکم بود، بسیار مشهود بود. در زندان هر روز مأموران تغییر می کردند (شیفت ها ۲۴ ساعته بود)، مواد غذایی و فروشگاه های بیرون زندان وارد بند می شدند. زندانیان جدید نیز در بند پذیرش می شدند که این امر علت نگرانی شدید زندانیان بود و احتمال ابتلا به ویروس و همچنین مرگ جمعی را افزایش داده بود. تقریباً همه ما همزمان یک بار مریض شدیم که برای ما بسیار وضعیت نگران کننده بود...

بهداری زندان اوین، در شرایط عادی به زندانیان، خصوصاً زنان زندانی (به بهانه این که زندان اوین زندان مردانه است و امکانات کافی برای تنها بند زنان وجود ندارد) خدمات کافی ارائه نمی داد و این موضوع در دوره کرونا تشدید شد. ملاقات ها قطع شد و همه زندانیان به شدت نگران اعضای خانواده خود بودند. توصیه ها مبنی بر استفاده از الکل و ماسک بود، اما زندان یا این مایحتاج را تامین نمی کرد، یا بسیار تامین این مایحتاج محدود بود و ما مجبور بودیم از فروشگاه تهیه کنیم.

هر بار یک نفر از ما برای همه بند این خریدها را انجام می داد یا خیرین برای خانواده ها پول واریز می کردند که ما تهیه کنیم. تنش هم در بند زیاد بود، از یک طرف بین زندانیان سختگیری نسبت به یکدیگر جهت رعایت مسائل بهداشتی بیشتر شده بود و از طرف دیگر تنش ها و درگیری ها بین زندانیان و مأموران و مسئولان بیشتر شده بود؛ هم از این بابت که باید در چنین شرایطی زندانیان را آزاد کنند یا مرخصی بدهند و هم از این بابت که زندان همچنان

برخلاف پروتکل‌های بهداشتی، زندانی جدید وارد می‌کرد. در آن زمان مدت طولانی اعتراض کردیم و سرانجام موفق شدیم، مسئولان را مجاب کنیم که سلول انفرادی بند و سپس بندی که پیش‌تر مختص زنان گرد (متهم به عضویت در داعش) بود را به زندانیان تازه‌وارد اختصاص دهند و پس از ۱۴ روز قرنطینه زندانی وارد بند شود.

همچنین موفق شدیم که جیره الکل، ماسک و مواد شوینده برای بند زنان را تثبیت کنیم. در خصوص واکسن هم نگرانی‌ها شدید بود، از یک سو بی‌اعتمادی به «واکسن برکت»، از طرفی مخالفت عده‌ای با هر نوع تزریق واکسن کرونا و تأکید عده‌ای دیگر بر تزریق خود باعث تنش شده بود. برخی هم نگران بودند که ماموران به جای واکسن کرونا داروهای ناشناخته دیگری به آن‌ها تزریق کنند. در

نهایت با اعتراضات مکرر موفق شدیم مسئولان را متقاعد کنیم که واکسن‌های دیگری غیر از برکت را هم در اختیار زندانیان بگذارند.

در شرایط اعتراضات اما نگرانی از سرکوب‌ها و کشتار بیشتر بود، خصوصاً در آبان ۹۸. اخباری که از خانواده‌ها در رابطه با کشتار دریافت می‌کردیم بسیار نگران‌کننده بود. از طرفی عده‌ای خوشحال بودند که ممکن است این اعتراضات سرانجام به سقوط جمهوری اسلامی منجر شود؛ به‌خصوص وقتی خانواده‌ها می‌گفتند که مردم در حال برنامه‌ریزی برای آزادی زندانیان هستند. شاهد بودم که بسیاری هر روز با خوشحالی دوش می‌گرفتند، خود را می‌آراستند و لوازم و لباس‌هایی که می‌خواستند، به وقت آزادی با خود ببرند را در ساک جدا می‌گذاشتند.

حقوق ما: زندانیان سیاسی و زندانیان جرایم عادی در آن دوران تا چه اندازه از حقوق خود اطلاع داشتند؟

آتنا دائمی: زندانیان عمومی که به صورت کلی از حق و حقوق خود هیچ نمی‌دانند و در چنین شرایطی

نیز تحت تأثیر فضای رعب و وحشتی قرار می‌گیرند که زندانبان‌ها به آن‌ها تحمیل می‌کنند. مطلع هستم نه تنها تمامی حقوق ابتدایی زندانیان از من سال ۹۹ در حالی که همچنان قرنطینه کرونا و

جمله حق آزادی، مرخصی، ملاقات و تلفن، نقض شد، بلکه زندان اوین نیز هدف حمله اسرائیل قرار گرفت. زندانیان نه تنها تمام امکاناتی که پس از سال‌ها تلاش و مبارزه به دست آورده بودند، از دست دادند بلکه به زندان‌های دیگر با شرایط بسیار ناگوار منتقل شدند؛ حداقل در خصوص بند زنان اوین، زندانیان در حدود یک سال در برابر آن مقاومت کردند.

زندان‌های جدید و بازداشتی‌ها که برخی اعتیاد شدید داشتند بدون طی کردن دوره قرنطینه وارد زندان می‌شدند، بیماری بسیار زیاد بود، ازدحام جمعیت در بندهای کوچک نگران‌کننده بود، تخت‌ها بسیار نزدیک هم بود (۶۳ سانتی‌متر) و چنان‌چه یک نفر بیمار بود، سریع منتقل می‌شد.

خدمات درمانی در عمل وجود نداشت و زندانیان نه تنها از حقوق خود مطلع نبودند، بلکه اگر بودند هم از ترس مطالبه‌گری نمی‌کردند. ماموران بسیار خشن بودند و زندانیان را به بدتر شدن وضعیت پرونده‌شان تهدید می‌کردند. من مجبور شدم ۱۵ روز اعتصاب غذا کنم و بسیار درگیر شدم که توانستم کمی شرایط را به نفع زندانیان تغییر دهم. این مسئله منجر به پرونده‌سازی و محرومیت من از تماس تلفنی شد و بعد از آزادی‌ام دوباره همه آن امکانات پس گرفته شد.

حقوق ما: بر اساس اطلاعات شما وضعیت رعایت حقوق زندانیان در دوران جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران چگونه بود؟

آتنا دائمی: در جنگ اخیر هم علاوه بر نقض تمامی حقوق و قوانین، نگرانی از کشتار زندانیان نیز اوج گرفت. زندانیان همچون گذشته بسیار نگران این موضوع بودند و میزان بازداشت‌های دی‌ماه و بازداشت‌های دوران جنگ باعث تشدید این نگرانی و بحران کمبود امکانات و جا شد.

در شرایط بحرانی حتی کوچک‌ترین امور مربوط به زندانیان با اخلال مواجه می‌شود، همانطور که در دوره جنگ، رسیدگی به پرونده‌ها، پاسخگویی به خانواده‌ها و زندانیان و رسیدگی به درمان زندانیان به شکل کامل متوقف شد. علاوه بر این اخبار نگران‌کننده از کمبود آب و غذا هم وجود داشت که قطعاً این بحران‌ها در زندان‌های عمومی و برای زندانیان گمنام شدیدتر بوده است.

در شرایط جنگ زندانیان سیاسی هدف اعمال فشارهای مضاعف هم قرار گرفتند، به این دلیل که نهادها و ماموران و مسئولان به این زندانیان به عنوان مقصر وضع موجود نگاه می‌کنند و تهدیدها، حملات، رفتارهای غیرقانونی و تلافی‌جویانه شدیدتر می‌شود.

مینا موحد

جمهوری اسلامی از زندانیان سیاسی. ما تجربه

سال ۱۳۶۷ را داریم و حالا تجربه ۱۴۰۴ را. در سال ۱۳۶۷، هزاران زندانی سیاسی که اغلب در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند و برخی حتی دوران محکومیت‌شان رو به اتمام بود و قرار بود آزاد شوند، به یک باره با فتوای خمینی به پای چوبه‌های دار برده شدند. در سال ۱۴۰۴ هم اگرچه ابعاد اعدام‌ها به گستردگی سال ۶۷ نبود، ولی بر اساس گزارش‌های نهادهای حقوق بشری، در سال ۲۰۲۵ تعداد ۱۶۳۹ نفر در ایران اعدام شده‌اند که ۶۸ درصد بیشتر از سال قبل از آن است. تازه این رقم بدون احتساب اعدام‌هایی است که در چهار ماهی که از ابتدای سال ۲۰۲۶ می‌گذرد، رخ داده است.

جمهوری اسلامی در میانه جنگ، ماشین اعدامش را متوقف نکرده و اگر حافظه‌ام درست یاری کند، دست‌کم ۱۶ زندانی سیاسی را اعدام کرده است. وایر، گفت‌وگو کرده‌ایم:

البته خطرات دیگر وجود هم دارد. حملات

نظامی به تاسیسات سازمان زندان‌ها که در جنگ ۱۲ روزه رخ داد، خطر شورش و سرکوب شورش

در زندان که ممکن است مستقیماً جان زندانیان را تحت خطر قرار دهد و همچنین خطر گرسنگی و تشنگی. در جریان جنگ حاضر گزارش‌هایی از رها کردن زندانیان در دست نیروهای نیویو منتشر شد در حالی که غذا و آب کافی هم حتی نداشتند،

در زمان جنگ و بحران، مهم‌ترین خطری که زندانیان را تهدید می‌کند چیست؟

به نظرم مهم‌ترین خطر برای زندانیان در هر زمانی، سیستم قضایی نظام جمهوری اسلامی است، چه دوران جنگ باشد و چه دوران صلح. متأسفانه این خطر در دوران جنگ بسیار بزرگ‌تر است، به دلیل انتقام‌جویی دستگاه قضایی

زندانی در زمان جنگ؛ میان ترس، بی‌خبری و بی‌پناهی



تلفن‌هایشان قطع بود و در حبس‌رها شده بودند.

امنیت زندان است یا حفظ جان زندانی؟

این سوال خیلی حقوقی است و من دانش حقوقی

ندارم. اما در قامت یک روزنامه‌نگار که در زمینه

حقوق بشر سال‌ها تحقیق کرده‌ام، می‌توانم بگویم

دو طرف درگیری مقصودند. هم ارتش کشور یا

کشورهایی که حمله کرده‌اند، چون زندان‌ها جزو

مکان‌های غیرنظامی محسوب می‌شوند، هرچند

ممکن است گفته شود مثلاً زندان اوین محل

تجمع نیروهای اطلاعات سپاه یا وزارت اطلاعات

است ولی این مکان کارکردی نظامی ندارد و

مطابق اصول و عرف بین‌المللی مربوط به جنگ‌ها

نباید به آن حمله کرد. حمله به این مکان‌ها حتی

ممکن است مصداق جنایت جنگی باشد.

از طرف دیگر نظام قضایی که زندانی را در حبس

دارد نیز مسوول است، چون می‌توانسته شرایطی

را برای حفظ جان او ایجاد کند ولی به‌صورت

کاملاً ارادی و با قصد و نیت قبلی چنین کاری را

نکرده است. نظام قضایی می‌توانسته با اخذ وثیقه

یا کفالت زندانیان را بیرون بفرستد ولی این کار را

نکرده است. مثلاً در جنگ ۱۲ روزه، وقتی اسرائیل

به اوین حمله کرد، بعدها روایت‌های زندانیان

سیاسی از بند زنان و بندهای دیگر بیرون آمد که

با وجود تخریب زندان و این‌که زندانیان زیر آوار

بودند، یگان ویژه اسلحه به سمت زنان زندانی

سیاسی گرفته بود. زندانیان مرد را هم وقتی در

دل نیمه‌شب داشتند به تهران بزرگ می‌بردند،

آیا اصلاً برنامه‌ای یا پروتکلی برای حفاظت

از زندانیان در زمان بحران وجود دارد؟

بله، بر اساس مصوبه شماره ۲۱۱ قوه قضاییه

مصوب سال ۱۳۶۵ به وضوح بحث آزادی زندانیان

در شرایط جنگی را مطرح می‌کند. بر اساس این

مصوبه دادگاه‌ها موظف‌اند در شرایط اضطراری

مناطق جنگی، برای حفظ جان زندانیان بسته به

«نوع جرم ارتكابی»، آن‌ها را با دریافت ضمانت یا

به‌صورت مشروط آزاد کنند. این قانون «مجرمان

خطرناک» را مستثنی کرده و صرفاً انتقال آنان به

زندان دیگر در مکانی امن را مجاز می‌داند، اما

زندان‌های سیاسی و مالی می‌توانند با اخذ وثیقه

یا ضمانت‌های دیگر آزاد شوند. اما ما به وضوح

شاهدیم که نه‌تنها زندانیان در دوران جنگ ۱۲ روزه

و جنگ حاضر آزاد نشده‌اند، بلکه برعکس بسیاری

هم بازداشت شده‌اند از جمله افرادی که در ایست

بازرسی‌ها بازداشت می‌شدند یا فعالان مدنی و

سیاسی که حکومت به دنبال بهانه‌ای بوده تا

آن‌ها را در حبس نگه دارد و به زعم خود بازداشت

پیشگیرانه انجام دهد.

اگر زندان در طی جنگ تخریب شود،

مسئول جان زندانیان کیست؟ اولویت

مسئولان در این مواقع معمولاً حفظ

با دست بند و پابند و با اتوبوس بردند در حالی که

ماشین‌های سپاه آن‌ها را اسکورت می‌کردند. چالش بعدی، مساله ملاقات و تماس است.

خب تصور کنید اگر اسرائیل گمان می‌کرد این زندانی و خانواده‌اش از راه تماس تلفنی و ملاقات

اسکورت مقام‌های حکومت است، چه فاجعه‌ای به هم وصل هستند. این‌ها در زمان جنگ مختل

می‌توانست رخ دهد؟ بدیهی است حکومت بدش می‌شود. هم چون ارتباطات در جنگ از سوی

نمی‌آمده از جان زندانیان سیاسی که سرمایه‌های حکومت مختل شده و هم به بهانه دلایل امنیتی

اجتماعی ایران هستند هزینه کند و با مظلوم مسوولان زندان‌ها مانع نظم و روالی عادی زندان

نمایی و سپر انسانی برای دقایقی خودشان را می‌شوند. این فشار قطع تماس وقتی عزیزی از

شما گروگان حکومتی بی‌رحم باشد، چندین برابر محق نشان دهند.

احساس می‌شود.

در زمان بحران، خانواده‌های زندانیان

چه فشاری را تحمل می‌کنند و با چه

چالش‌هایی مواجه هستند؟ «بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها» هستند؟

خانواده‌های زندانیان جزو گروه‌هایی هستند که زندانیان جزو به حاشیه رانده شده‌ترین گروه‌های

درد بزرگی را تحمل می‌کنند. شرایط برای آن‌ها اجتماعی هستند. فقط هم زندانیان سیاسی نه،

چندین برابر دشوار است. اول این‌که دست‌شان زندانیان سیاسی تازه به نظرم جزو برخوردارترین‌ها

زیر تیغ است، عزیزشان گروگان حکومت است، هستند، پایگاه اجتماعی و صدایی دارند و

حکومتی که برای اعدام دنبال حتی بهانه هم برخی‌هایشان از طبقه اقتصادی متوسط و بالا می

نیست. واقعا در اعدام‌های اخیر این را به‌وضوح آیند و به نسبت دست‌شان به دهانشان می‌رسد.

دیدیم که نه روند دادرسی وجود دارد و نه ابایی البته این نظم در سال‌های گذشته و با زندانی

دارند از این‌که شهروند بی‌گناهی را بکشند. شدن معترضان که عمدتاً از اقشار فرودست جامعه

موضوع شرایط اقتصادی و فشارهای ناشی از بودند، برهم خورده است. ولی باز هم وضع زندانی

آن هم هست. اغلب مردم ایران الان تحت فشار سیاسی بهتر از زندانیان جرایم خرد است که

اقتصادی هستند، تصور کنید خانواده‌ای مجبور فقیر، بدون تحصیلات، بدون پشتوانه اجتماعی و

باشد هزینه‌های گزاف خرید مواد غذایی، تلفن اقتصادی و بدون صدا هستند.

و زندگی در زندان را هم بپردازد. حالا اگر عزیز چند سال پیش با فردی که تجربه زندان قرچک را

داشت صحبت می‌کردم، می‌گفت زندان قرچک مواردی مانند این، فردی که زندانی و محصور است را باید محل بررسی تئوری اینترسکشنالیتی کرد. و جایی برای فرار ندارد، در وهله اول سرنوشتش می‌گفت همه تقاطع‌های ستم و سلطه را می‌توان آن‌جا دید: زن، فقیر، بیمار، معلول و افراد متعلق به گروه‌های اقلیتی تحت ستم. کشتار باشد. در وهله دوم هم سرنوشتش در دست یک دولت متخاصم است. این کنترل نداشتن بر وضعیت، دیوانه کننده است. به کجا می‌توان پناه برد؟ چه کار می‌شود کرد؟ من شنیده‌ام حتی جابه‌جاشدن را ندارند. البته در جریان جنگ حاضر بارها از مردم شنیده‌ایم آن‌هایی هم که بیرون از زندان هستند، چون پول ندارند حق جابه‌جایی از آن‌ها سلب شده است. در کل، عواملی مثل فقر بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها را در برابر جنگ به وجود می‌آورد و زندانی‌ها بالقوه فقیرند.

آیا مواردی بوده که زندانیان عملاً در سلول‌های دربسته و در خطر مرگ رها شوند؟

زندان‌های وقتی در شرایط جنگ با صدای جنگنده‌ها و انفجارها مواجه می‌شود ولی برخلاف مردم عادی، هیچ راه فراری ندارد- این حس چه فشاری ایجاد می‌کند؟ ما گزارش‌هایی را در جریان جنگ حاضر دریافت کردیم مبنی بر همین مساله ولی به دلیل قطع اینترنت، صد در صد قابل راستی آزمایی نبودند. امیدواریم با وصل شدن افراد بیشتری به اینترنت، صدای واضح‌تری از داخل زندان‌های ایران به گوش دنیا برسد.

بشری در دنیا، باور بر این است که یکی از حقوق اولیه بشری، حق آزادی برای جابه‌جایی است. قدیم‌ترها این بیشتر امتیاز بود ولی جهان روزه روز بیشتر به سمتی می‌رود که جابه‌جایی را یک حق انسانی بدانند، چه در زمینه مهاجرت و چه در

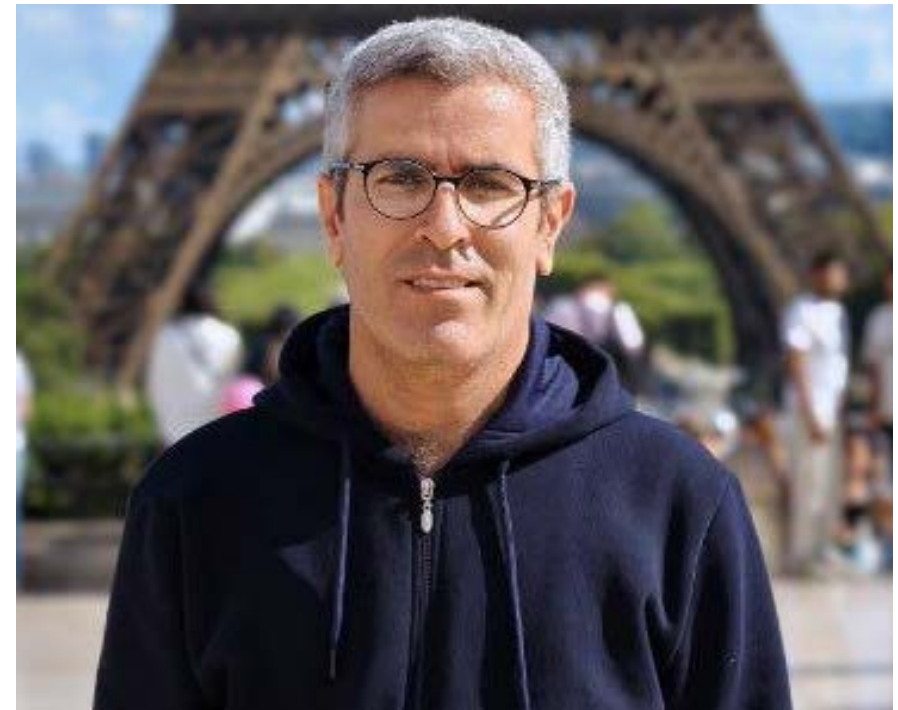
سلامتی و درمان یا امنیت؟ همه چیز سخت تر است. اینترنت قطع است و ما ببینید فضای داخل زندان چندین برابر بیرون زندان امنیتی است. شاید حتی نفس کشیدن زندانی هم مساله امنیتی باشد در دوران جنگ. برای این‌که زندانی اسیر دست سیستمی است که او را دشمن، نابه‌کار، خرابکار و سربار می‌بیند. خسرو طرفی، رییس زندان شیپان اهواز، به بازداشتی‌های جنگ ۱۲ روزه گفته بود حیف غذا و آب برای شماست و باید همه‌تان را اعدام کنیم. این نگرش بخش بزرگی از مسوولان سازمان زندان‌هاست.

آیا مواردی از فروپاشی روانی یا رفتارهای شدید (مثل وحشت جمعی) زندانیان در زمان جنگ دیده شده است؟

بنابراین در زندان همه‌چیز دشوارتر می‌شود حتی پیدا کردن غذا و آب، به خصوص در زندان‌های شهرهای کوچک احتمالاً ناممکن خواهد بود، چون فروشگاه بسته است و کارکنان بخش‌های اداری و خدماتی سر کار حاضر نمی‌شوند یا اگر فروشگاه زندان باز باشد، قیمت‌ها طوری بالا می‌رود که خرید ناممکن می‌شود. ما این را در جنگ ۱۲ روزه بارها از زندانیان شنیدیم. در این جنگ که اوضاع بدتر است. خب به طبع تلفن‌ها قطع می‌شود. زندانیان برای گرفتن خبر از عزیزان شان تحت فشارند، نمی‌دانند فلان شهر که بمباران شده شاید خانه خودشان باشد یا خانه عزیزانشان هم خراب شده باشد. آب، غذا، ارتباط، امنیت، سلامت و حتی دسترسی به بهیاری ممکن است به خواب و خیال تبدیل شود.

همانطور که گفتیم در بحران‌هایی مثل جنگ

حوادث طبیعی و شرایط جنگی؛ مسئولیت حاکمیت در قبال جان زندانیان و تامین حقوق آنان



سیروان منصوری

حمایت از حقوق زندانیان در شرایط بحران، چه در مواجهه با بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله و آتش‌سوزی و چه در موقعیت‌های ناشی از ناامنی، تنش‌های سیاسی یا درگیری‌های منطقه‌ای، یکی از جنبه‌های حساس و مورد غفلت واقع‌شده در حوزه‌های حقوق بشر، حقوق کیفری و مدیریت بحران است. زندانیان، به دلیل محدودیت ذاتی در آزادی و وابستگی کامل به ساختارهای دولتی، در زمره آسیب‌پذیرترین گروه‌ها قرار می‌گیرند و در شرایط اضطراری، مسئولیت دولت در قبال حفظ جان، سلامت جسمی و روانی و همچنین کرامت انسانی آنان به‌طور مضاعف مطرح می‌شود. این مسئولیت نه‌تنها در قوانین داخلی ایران، بلکه در اصول پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل، از جمله قواعد حداقلی رفتار با زندانیان، مورد تأکید قرار گرفته است.

با این حال، پرسش اساسی این است که نظام حقوقی و اجرایی ایران تا چه اندازه توانسته برای شرایط بحرانی در زندان‌ها، از جمله تخلیه اضطراری، تأمین امکانات بهداشتی، دسترسی به درمان یا حتی اعطای مرخصی‌های ویژه و سازوکارهای جایگزین بازداشت، چارچوب‌های عملی و کارآمد طراحی و اجرا کند. تجربه

بحران‌های طبیعی در سال‌های اخیر و نیز فضای امنیتی و سیاسی ناشی از تنش‌های منطقه‌ای، این بحث را جدی‌تر کرده که آیا اصول حقوقی موجود در عمل به سطح حمایت مؤثر از زندانیان می‌رسند یا با شکاف‌های اجرایی مواجه‌اند؟ مجله حقوق ما در گفت‌وگو با بهنام چگینی، دانش‌آموخته حقوق و فعال حقوق بشر، ضمن بررسی تعهدات حقوقی حاکمیت ایران در این زمینه، به چالش‌های عملی، خلأهای قانونی و نیز ظرفیت‌های حقوقی موجود برای کاهش آسیب‌پذیری زندانیان در شرایط بحران پرداخته است.

آیا عدم تخلیه یا محافظت از زندانیان در زمان بحران می‌تواند مصداق «رفتار غیرانسانی» یا «مجازات ظالمانه» تلقی شود؟ معیار تشخیص چیست؟

در خصوص اینکه عدم تخلیه یا عدم حفاظت از زندانیان در شرایط بحران، از جمله جنگ یا بلایای طبیعی، آیا می‌تواند مصداق رفتار غیرانسانی یا مجازات ظالمانه باشد یا خیر، باید گفت در صورت تحقق شرایط مشخص، ترک فعل دولت یا مقام یا مقامات مسئول می‌تواند موجب مسئولیت بین‌المللی برای آن دولت یا اشخاص شود.

در این زمینه، چند نکته اساسی قابل‌توجه است: نخست، مبانی حقوقی این موضوع در حقوق بشر بین‌الملل که ناظر به شرایط صلح است، قابل‌بررسی است. در شرایط صلح، اسناد متعددی، از جمله ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

و مواد ۷ و ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که در آن‌ها هرگونه رفتار غیرانسانی، تحقیرآمیز و مجازات ظالمانه را ممنوع اعلام کرده‌اند. بر اساس این مقررات، دولت‌ها نه تنها از اعمال مستقیم رفتارهای غیرانسانی، حتی در شرایط جنگی، منع شده‌اند و نه تنها تعهدات آن‌ها سلبی نیست، بلکه دارای تعهدات ایجابی نیز هستند؛ به این معنا که مکلف‌اند اقدامات حفاظتی و حمایتی لازم برای حفاظت از افراد تحت کنترل خود، از جمله زندانیان، را نیز انجام دهند.

دوم، در حقوق بین‌الملل بشردوستانه که ناظر به شرایط مخاصمه مسلحانه است، در کنوانسیون‌های سوم و چهارم ژنو، تعهدات روشنی برای طرف‌های درگیر پیش‌بینی شده است. این تعهدات شامل حفاظت از اسیران جنگی و غیرنظامیان و اتخاذ اقدامات احتیاطی لازم برای جلوگیری از قرار گرفتن آنان در معرض خطر می‌شود. زندانیان نیز در این چارچوب، در زمره افراد تحت حمایت قرار می‌گیرند و دولت یا طرف کنترل‌کننده مکلف به حفاظت از آنان است و اگر نقض این اقدامات در حفاظت از جان غیرنظامیان، زندانیان و اسرا به سطح فاحشی برسد، می‌تواند عواقب زیادی برای حاکمیت به دنبال داشته باشد.

سوم، مسئولیت دولت صرفاً محدود به افعال مثبت نیست، بلکه ترک فعل نیز می‌تواند موجب مسئولیت بین‌المللی شود. از آنجا که زندانیان تحت کنترل کامل دولت قرار دارند و امکان جابه‌جایی و حفاظت از خود را تا حد زیادی از دست داده‌اند، مسئولیت اصلی حفاظت از جان، سلامت و حقوق آنان بر عهده دولت قرار می‌گیرد. چهارم، برای آنکه ترک فعل یا عدم اقدام دولت به‌عنوان رفتار غیرانسانی یا مجازات ظالمانه تلقی شود، باید معیارهایی مانند شدت آسیب واردشده بررسی شود. به این معنا که رفتار یا وضعیت ایجادشده باید موجب رنج شدید جسمی یا روانی شود که فراتر از سختی‌های ذاتی حبس باشد؛ مثلاً عامدانه زندانیان را در معرض بمباران قرار دهد یا در هنگام بمباران آنان را جابه‌جا نکند.

مسئولیت حقوقی دولت در قبال مرگ یا آسیب زندانیان در شرایط بحران مانند سوانح طبیعی و جنگ، چگونه تعیین می‌شود؟ آیا می‌توان از دولت شکایت بین‌المللی کرد؟

در پاسخ به سوال دوم باید گفت که یک اصل

بنیادین در این زمینه وجود دارد که می‌توان از آن با عنوان «مسئولیت مضاعف دولت نسبت به زندانیان» یاد کرد. زندانیان در زمانی که در بازداشت یا حبس به سر می‌برند، تحت کنترل کامل دولت قرار دارند و عملاً بخش عمده‌ای از آزادی‌های فردی آنان، از جمله آزادی رفت‌وآمد و امکان خودحفاظتی، از آنان سلب می‌شود. در نتیجه، مسئولیت تأمین سلامت، امنیت و سایر حقوق بنیادین آنان به‌طور کامل بر عهده دولت قرار می‌گیرد.

این مسئولیت در اسناد متعدد حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مورد تأکید قرار گرفته است؛ از جمله می‌توان به مواد ۶ و ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲ و ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز مقررات کنوانسیون‌های ژنو اشاره کرد که همگی بر تعهد دولت‌ها در خصوص حمایت و حفاظت از افراد تحت کنترل خود، به‌ویژه زندانیان، تصریح دارند. در صورت نقض این تعهدات، امکان تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت و حتی در برخی موارد مسئولیت کیفری نیز وجود دارد.

در خصوص احراز این مسئولیت، چند معیار اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد: نخست، وجود خطر جدی، واقعی و قریب‌الوقوع است. دوم، آگاهی مقامات از این خطر یا قابلیت آگاهی آن‌ها بر اساس معیار متعارف مورد توجه قرار می‌گیرد. سوم، بررسی می‌شود که آیا دولت اقدامات

پیشگیرانه لازم را، از جمله پیش‌بینی بحران‌های احتمالی مانند جنگ، زلزله یا سیل و تدوین پروتکل‌های اضطراری از قبیل تخلیه زندان، ایجاد پناهگاه، تأمین سازوکارهای امدادی و آموزش به نیروهای مربوطه، انجام داده است؟ در صورت فقدان این اقدامات، مسئولیت دولت قابل احراز خواهد بود. همچنین باید توجه داشت که نحوه برخورد با زندانیان در شرایط بحران باید بدون تبعیض باشد. هرگونه تصمیم‌گیری مبنی بر جابه‌جایی یا عدم جابه‌جایی گروهی خاص از زندانیان، از جمله زندانیان سیاسی یا زندانیان محکوم به اعدام، در صورتی که منجر به قرار گرفتن عمدی برخی افراد در معرض خطر شود، می‌تواند مصداق نقض تعهدات حمایتی دولت تلقی گردد.

از نظر سازوکارهای پیگیری نیز، بسته به نوع نظام حقوقی و وضعیت طرفین، مسیرهای متفاوتی وجود دارد. در صورتی که موضوع در قلمرو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطرح باشد، امکان طرح شکایت در دادگاه اروپایی حقوق بشر وجود دارد و مواد ۲ و ۳ این کنوانسیون مبنای اصلی رسیدگی قرار می‌گیرند. در موارد خارج از این چارچوب، امکان مراجعه به کمیته حقوق بشر سازمان ملل بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی وجود دارد. در شرایطی که نقض‌ها به سطح شدید و گسترده‌ای برسد و واجد وصف جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت باشد، امکان طرح موضوع در دیوان کیفری بین‌المللی (آی.سی.سی.سی) نیز قابل‌تصور است.

سوم، بررسی می‌شود که آیا دولت اقدامات

نیز قابل‌تصور است.

در مجموع، بسته به شدت وضعیت، نوع بحران و میزان نقض تعهدات، سازوکارهای مختلفی برای پیگیری مسئولیت دولت در قبال زندانیان در حقوق بین‌الملل پیش‌بینی شده است.

نقش نهادهای ناظر مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در نظارت بر وضعیت زندانیان در شرایط جنگی چیست و تا چه حد اختیار مداخله دارند؟

در پاسخ به سوال سوم، درباره نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (آی.سی.آر.سی) در شرایط جنگی باید گفت این نهاد، جایگاهی بی‌نظیر و ویژه در حقوق بین‌الملل بشردوستانه دارد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تنها نهادی است که در متن کنوانسیون‌های ژنو به‌صورت صریح، مأموریت و اختیار یافته است تا به‌عنوان یک نهاد بی‌طرف، مستقل و بشردوستانه در شرایط مخاصمات مسلحانه ایفای نقش کند. دامنه فعالیت‌ها و اختیارات این نهاد گسترده است. از جمله مهم‌ترین وظایف آن، دسترسی به محل نگهداری زندانیان و اسیران جنگی و بازدید از آنهاست. این دسترسی معمولاً در چارچوب

توافق با دولت‌های ذی‌ربط صورت می‌گیرد. همچنین، این کمیته می‌تواند با زندانیان به‌صورت خصوصی و بدون حضور مقامات مسئول مصاحبه کند و وضعیت حقوقی، انسانی و شرایط نگهداری آنان را ارزیابی نماید و موارد را ثبت و ضبط و گزارش تهیه کند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ همچنین وظیفه

تعامل دیپلماتیک استوار است. اجرایی سازمان زندان‌ها، از جمله در حوزه حفاظت

و مراقبت و نیز حفظ جان و سلامت زندانیان، وجود

دارد که در بازه‌های زمانی مختلف، توسط رئیس قوه قضاییه به‌روزرسانی می‌شود. آخرین نسخه آن، حدود سال ۱۴۰۰، نیز به موضوعاتی مانند ایمنی زندانیان در برابر حوادثی نظیر آتش‌سوزی، زلزله و سیل پرداخته و بر ضرورت پیش‌بینی و مدیریت این شرایط تأکید کرده است. از منظر محتوایی، این مقررات تا حد زیادی با استانداردهای حقوق بین‌الملل، از جمله قواعد نلسون ماندلا، هم‌راستا هستند و بر کرامت انسانی و حفاظت از جان و سلامت زندانیان تأکید دارند.

در خصوص سازوکارهای مدیریت بحران در شرایط اضطراری، از جمله وضعیت جنگی، این موضوع در چند سطح قابل‌بررسی است.

در سطح نخست، باید به حقوق داخلی ایران و نهادهای مسئول در این حوزه اشاره کرد. در درجه

اول، «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» مسئول اصلی مدیریت بحران در محیط زندان‌ها محسوب می‌شود. در کنار آن، «سازمان مدیریت بحران کشور» و همچنین نیروهای انتظامی و امنیتی نیز می‌توانند در شرایط خاص نقش حمایتی و تکمیلی ایفا کنند.

مبنای حقوقی این سازوکارها ترکیبی از آیین‌نامه‌های اجرایی سازمان زندان‌ها و برخی قوانین مرتبط با مدیریت بحران و امنیت داخلی کشور است. در عمل، آیین‌نامه‌های سازمان زندان‌ها نقش محوری‌تری دارند، هرچند از منظر

سلسله‌مراتب حقوقی، قانون باید مبنای اصلی باشد. این مسئله خود می‌تواند از منظر حقوقی محل بحث قرار گیرد، زیرا اتکای گسترده به آیین‌نامه‌ها به‌جای قوانین مصوب، از حیث تضمین حقوق بنیادین قابل‌نقد است.

در حال حاضر، آیین‌نامه‌ای تحت عنوان آیین‌نامه

اجرا با چالش‌های جدی مواجه است. در عمل، تأثیرگذار باشد.

برنامه‌ریزی منسجم، تمرین‌های دوره‌ای مدیریت بحران و پروتکل‌های عملیاتی مشخص برای شرایطی مانند جنگ یا بحران‌های گسترده، به‌صورت نظام‌مند و مؤثر مشاهده نمی‌شود.

دوم آنکه، این آیین‌نامه‌ها فاقد پشتوانه قانونی در سطح قانون مصوب مجلس هستند و عمدتاً در سطح مقررات اداری قرار دارند. در نتیجه، ضمانت اجرای کیفری مؤثری برای نقض آن‌ها وجود ندارد و تخلف از آن‌ها بیشتر در حد تخلف اداری قابل‌پیگیری است. این موضوع موجب تضعیف اثرگذاری حقوقی این مقررات می‌شود.

سوم آنکه، نهاد نظارتی مستقل و بی‌طرف برای ارزیابی وضعیت مدیریت بحران در زندان‌ها وجود ندارد. نظارت عمدتاً درون‌سازمانی و از طریق نهادهایی مانند بازرسی سازمان زندان‌ها یا حفاظت قوه قضاییه انجام می‌شود. در نتیجه، نظارت بیرونی مستقل که بتواند به‌صورت بی‌طرفانه میزان رعایت حقوق زندانیان را ارزیابی کند، عملاً محدود است. همچنین، دسترسی نهادهای بین‌المللی، مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نیز در این زمینه با محدودیت‌هایی مواجه است. در مجموع، هرچند از منظر مقررات مکتوب، چارچوب‌هایی برای مدیریت بحران در زندان‌ها وجود دارد و تا حدی با استانداردهای بین‌المللی هم‌خوانی دارد، اما در سطح اجرا، ضمانت اجرا و نظارت مستقل، خلأهای جدی قابل‌مشاهده است که می‌تواند بر کارآمدی این سازوکارها از سوی دیگر، افراد متضرر نیز می‌تواند با استناد

به قوانین موجود، در مراجع قضایی داخلی طرح شکایت کنند؛ اعم از خسارات مالی یا آسیب‌های فیزیکی.

جانی. با این حال، در عمل میان چارچوب‌های حقوقی مصوب و واقعیت اجرایی نظام قضایی فاصله‌هایی وجود دارد.

در این زمینه، یکی از چالش‌های اساسی، مسئله بی‌طرفی نهادی است. از آنجا که سازمان زندان‌ها و بخش قابل‌توجهی از سازوکارهای مرتبط، زیرمجموعه قوه قضاییه محسوب می‌شوند، در مواردی که خود این نهاد یا مقامات عالی آن در مظان اتهام قرار دارند، مسئله تعارض نقش، نهاد رسیدگی‌کننده و نهاد مسئول، مطرح می‌شود. این وضعیت می‌تواند بر اصل بی‌طرفی رسیدگی تأثیر بگذارد و در عمل موجب کاهش کارآمدی فرایند پاسخ‌گویی شود.

در نتیجه، هرچند از منظر حقوقی، امکان تظلم‌خواهی و رسیدگی قضایی در ساختار داخلی وجود دارد، اما در عمل، به‌ویژه در شرایط بحرانی و در پرونده‌های حساس، با محدودیت‌هایی در زمینه استقلال، بی‌طرفی و اراده مؤثر برای رسیدگی مواجه است.

در سطح بین‌المللی، در صورتی که رسیدگی مؤثر و مستقل در داخل کشور انجام نشود یا به‌صورت ناقص و ناکافی صورت گیرد، امکان ارجاع موضوع به نهادهای بین‌المللی نیز وجود دارد. از جمله مهم‌ترین این نهادها، «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد» است که می‌تواند با بررسی مستندات، گزارش‌های ویژه تهیه کرده و زمینه

اعمال فشارهای دیپلماتیک بر دولت مربوطه را فراهم کند. همچنین، در موارد خاص، این گزارش‌ها می‌توانند به سایر نهادهای بین‌المللی، از جمله شورای امنیت یا حتی دیوان کیفری بین‌المللی (آی.سی.سی.سی)، ارجاع داده شوند. علاوه بر این، برخی کشورها دارای صلاحیت قضایی جهانی هستند؛ به این معنا که می‌توانند در خصوص نقض‌های شدید حقوق بشر، حتی اگر در خارج از قلمرو آن کشور رخ داده باشد، رسیدگی قضایی انجام دهند. کشورهایی مانند آلمان و سوئد از جمله این کشورها هستند که در موارد خاص، امکان تعقیب کیفری افراد مسئول را بر اساس اصل صلاحیت جهانی فراهم می‌کنند. در نهایت، در صورتی که نقض حقوق بشر به سطح بسیار شدید و گسترده برسد و واجد عنوان «جنایت جنگی» یا «جنایت علیه بشریت» باشد، امکان ورود دیوان کیفری بین‌المللی نیز وجود دارد. البته تحقق این امر مستلزم وجود شرایط خاص، از جمله شدت، گستردگی و مستندسازی دقیق وقایع است. در شرایطی بسیار استثنایی نیز، حتی شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند در این زمینه مداخله کند. در مجموع، فرایند پاسخ‌گویی پس از بحران، در دو سطح داخلی و بین‌المللی قابل‌پیگیری است، هرچند میزان اثربخشی آن در عمل به عوامل حقوقی، سیاسی و نهادی متعددی وابسته است.

نهادهای ناتوان و دولت‌های ناقض حقوق بشر



میلاد پور عیسی

که پس از شروع حملات، تماس‌ها قطع شده و برای روزها یا حتی هفته‌ها هیچ اطلاعی از وضعیت یا محل نگهداری عزیزانشان نداشته‌اند. در برخی موارد، حتی پس از انتقال زندانیان، هیچ اطلاعات رسمی درباره مقصد آن‌ها منتشر نشده است.

در کنار این، نهادهای حقوق بشری هشدار داده‌اند که زندان‌ها فاقد حداقل استانداردهای ایمنی در شرایط جنگی هستند. پناهگاه یا سازوکار مشخصی برای محافظت در برابر حملات هوایی وجود ندارد، زیرساخت‌های درمانی در بسیاری از زندان‌ها محدود یا ناکافی است و در صورت حمله، امکان امدادرسانی سریع عملاً بسیار پایین است.

در همین حال، هیچ سیاست مشخصی برای آزادی موقت یا کاهش جمعیت زندان‌ها اجرا نشده است؛ حتی برای زندانیان غیرخشونت‌آمیز یا در «بازداشت موقت».

هم‌زمان، گزارش‌ها نشان می‌دهد که اعدام زندانیان با اتهامات سیاسی و امنیتی در همین دوره ادامه داشته و هیچ شفافیتی درباره روند دادرسی آن‌ها ارائه نشده است. تمام این نگرانی‌ها در سایه تجربه حمله اسرائیل به «زندان اوین» که به کشته‌شدن ده‌ها زندانی، کارکنان و مراجعه‌کنندگان انجامید، شدت بیشتری پیدا کرده است.

با آغاز حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران، از اواخر فوریه ۲۰۲۶، مجموعه‌ای از گزارش‌های حقوق بشری تصویر مشخص‌تری از وضعیت زندانیان در ایران ارائه می‌دهد؛ تصویری که بیش از هر چیز با «خطر فوری»، «بی‌خبری» و «نبود حفاظت» توصیف شده است.

در روزهای ابتدایی حملات، گزارش‌هایی از اصابت یا انفجار در نزدیکی زندان اوین منتشر شد که به آسیب‌دیدن بخش‌هایی از دیوار و تأسیسات اطراف انجامید. همین مسئله باعث شد هشدارهای فوری درباره قرار گرفتن زندان‌ها در محدوده اهداف نظامی یا در مجاورت آن‌ها افزایش یابد. هم‌زمان، برخی منابع از تخلیه یا انتقال عجولانه زندانیان از «اوین» به زندان‌هایی مانند «تهران بزرگ» و قم خبر دادند. این انتقال‌ها عمدتاً بدون اطلاع‌رسانی شفاف به خانواده‌ها انجام شد.

یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌ها در این مورد، قطع ارتباط گسترده زندانیان با بیرون از زندان بوده است. خانواده‌های بسیاری گزارش داده‌اند

نهادهای بین‌المللی ناتوان، دولت‌های قدرتمند ناقض حقوق بشر

در چنین شرایطی، حسین رئیسی، حقوقدان و فعال حقوق بشر، با انتقاد از فعالیت‌های ناکارآمد سازمان‌های حقوق بشری تأکید می‌کند: «مجموعه فعالیت‌های سازمان‌های حقوق بشری، نه تنها در مورد وضعیت زندانیان، بلکه در کلیت وضعیت حقوق بشر در کشورهایی مانند ایران، به اقدام مؤثر منجر نشده است. این سازمان‌ها عمدتاً به «گزارش‌دهی» مشغول‌اند و اقدامات دولت‌ها را «غیرقانونی» توصیف می‌کنند، اما ابزار اجرایی برای توقف این روندها ندارند.»

او با انتقاد از ساختار سازمان ملل نیز می‌گوید: «این نهاد، علاوه بر نداشتن قدرت اجرایی برای پاسخ‌گو کردن دولت‌ها، با ساختاری کند و ناکارآمد مواجه است که واکنش‌های آن را به محکومیت‌های لفظی محدود می‌کند.»

از منظر حقوق بین‌الملل، رئیسی یادآور می‌شود که کنوانسیون‌های ژنو بر تفکیک اهداف نظامی و غیرنظامی تأکید دارند و زندان‌ها را به‌طور مشخص در زمره اماکن غیرنظامی قرار می‌دهند که باید از هرگونه حمله مصون باشند؛ به‌ویژه به این دلیل که زندانیان امکان جابه‌جایی برای تأمین امنیت خود را ندارند.

با این حال، به گفته او، مشکل اصلی در نبود «اراده سیاسی» برای اجرای این قوانین است: «شود»

«در سطح بین‌المللی، اجرای حقوق بشر وابسته به حمایت قدرت‌های بزرگ است و وقتی همین دولت‌ها با استانداردهای دوگانه عمل می‌کنند، عملاً امکان اقدام مؤثر از بین می‌رود.»

رئیس‌همچنین به نبود عاملیت سیاسی مردم در ساختار جمهوری اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید: «مردم عاملیت مؤثری در اداره کشور ندارند و هم‌زمان با جنگ، شاهد افزایش اعدام‌ها با اتهامات سیاسی و امنیتی و نبود شفافیت در روند دادرسی هستیم.»

رئیس‌ی در ادامه، با اشاره به ناکارآمدی سازوکارهای بین‌المللی، به نمونه‌هایی از جمله محکوم‌شدن تنایاهو به «نسل‌کشی» و صدور دستور بازداشت برای او اشاره می‌کند: «می‌بینیم که نه تنها او بازداشت نشده، بلکه حالا با همراهی آمریکا به ایران حمله کرده است.»

او در ادامه، برخی از واکنش‌های فعالان سیاسی مخالف جمهوری اسلامی در مورد حمله به زندانیان را نیز مورد نقد قرار می‌دهد: «در این شرایط، برخی فعالان سیاسی با اظهارنظرهای غیرمسئولانه، به‌نوعی به توجیه جنگ یا حتی حمله به زندان‌ها پرداخته‌اند، در حالی که در حقوق بین‌الملل هیچ «الزامی» برای جابه‌جایی زندانیان از سوی دولت کشوری که مورد حمله قرار گرفته نیست. تأکید بر چنین ادعاهایی می‌تواند به عادی‌سازی بمباران زندان‌ها منجر شود.»



ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سرمدیبر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net